

بی پولی ما را احمق می‌کند؟

تا بحال برایتان پیش آمده است که از فرط بی پولی دست به خریدهای کم اولویت بزنید چون توان خرید اولویت‌های بزرگ‌تر را ندارید؟



تا بحال برایتان پیش آمده است که از فرط بی پولی دست به خریدهای کم اولویت بزنید چون توان خرید اولویت‌های بزرگ‌تر را ندارید؟ مثلاً چون توان خرید مسکن ندارید، اتومبیل گران قیمت بخرید و یا چون توان خرید اتومبیل مورد علاقه تان را ندارید به جای آن یک گوشی همراه گران قیمت بخرید؟

ایسنا پلاس: اگر جوابتان به این پرسش مثبت است، چیز عجیبی نیست، چون خیلی وقت‌ها بی پولی پهنای باند ذهن ما را کم می‌کند و باعث می‌شود، دست به تصمیمات نادرست بزنیم و یا خوشی لحظه‌ای را به اهداف بلندمدت و مایوس‌کننده ترجیح دهیم. شاید این قصه این روزهای خیلی از ما باشد که بعضی از نیازهایمان را بوج و دور از دسترس بدانیم، از آنها دست بشویم و در نهایت پولمان را که از رویاهای بزرگ خیلی کمتر است، صرف دلخوشی‌های کوچک کنیم.

بی پولی باعث کاهش توانایی ذهن در کنترل و محاسبه اطلاعات می‌شود

بی پولی و یا هر گونه کمیابی خیلی وقت‌ها باعث کاهش پهنای باند شده و در این حالت ذهن قادر به تمرکز بر روی موضوع اصلی نیست. پهنای باند شامل دو مقوله اصلی است که مقوله اول فعالیت‌هایی مانند حل مسئله، به خاطر سپردن و استدلال منطقی را که جزو ظرفیت شناختی ماست، در بر می‌گیرد. علاوه بر این پهنای باند، کنترل محاسباتی را که شامل فعالیت‌هایی مانند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، تمرکز، حفظ کردن اطلاعات و چندوظیفگی است، بر عهده دارد.

هر دو مقوله نقشی حیاتی در عملکرد ذهن ما ایفا می‌کند و در فرآیند کمیابی، تحت تاثیر قرار گرفته و توجه فرد را از موضوع اصلی کاهش می‌دهد. کاهش پهنای باند، نتایج منفی و مخربی مانند عدم صبر، بردباری و تمرکز را نیز به دنبال دارد.

ما گاهی به خاطر کمیابی، دست به انتخاب‌هایی می‌زنیم که اصلاً منطقی نیست. در یک تحقیق از گروهی از کشاورزان خواسته شد که خود را در برابر حوادث غیر قابل پیش‌بینی مانند خشکسالی بیمه کنند. با اینکه ضررهای خشکسالی بسیار بیشتر از هزینه‌های بیمه بود اما آنها زیر بار پرداخت بیمه نرفتند و ادعا می‌کردند که پول اضافی برای این کار ندارند! اما جالب اینجاست که در هر دوره خشکسالی آنها مبالغی بیشتر از هزینه بیمه متضرر می‌شدند. این موضوع نشان می‌دهد که کمیابی، قدرت تفکر محاسباتی آنها را گرفته بود و اجازه نمی‌داد، کشاورزان تصمیم درستی بگیرند.

آنها فکر می‌کردند، ممکن است خشکسالی ۶ ماه دیگر به سراغشان بیاید، بنابراین ترجیح می‌دادند که حساب بانکی شان خالی نشود اما این اشتباه محاسباتی از پیامدهای منفی کمیابی بود که خودشان از آن خبر نداشتند!

بی پولی ما را وارد چرخه معیوبی می‌کند که گریز از آن بسیار دشوار است

بی پولی و کمیابی فرد را وارد چرخه معیوبی می‌کند که رهایی از آن کار دشواری است. برای مثال کسی که غرق بدهی است در طول زندگی خود بارها و بارها این وضعیت را تجربه می‌کند. به عبارتی فقرا هر روز فقیرتر و ثروتمندان روز به روز ثروتمندتر می‌شوند. دلیل این اتفاق فقط و فقط به خاطر مسائل اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی نیست؛ هر چند این دو عامل هم در بروز فقر بسیار دخیل هستند اما نکته مهم اینجاست که وضعیت کمیابی مانع از تصمیم‌گیری درست شده و فرد را در گودالی که خود مسبب آن است، می‌اندازد.

وقتی ذهن با کمیابی مواجه می‌شود، دائماً از یک کار به کار دیگر گریز می‌زند؛ در چنین شرایطی همواره یک قدم عقب‌تر هستیم و کار مفیدی انجام ن داده‌ایم! انسان همیشه به یک فضای خالی برای تنفس و فراغت احتیاج دارد. در زمینه امور مالی نیز این فضای خالی با پس انداز کردن تعریف می‌شود. اگر همیشه مقداری از درآمدها را پس انداز کنید، در شرایط بحرانی هرگز تحت تاثیر کمیابی قرار نخواهید گرفت؛ در چنین شرایطی به جای اینکه تحت فشار بی پولی وارد چرخه معیوب شوید، تصمیم‌های منطقی‌تری خواهید گرفت و بهتر شرایط را تحت کنترل خود در می‌آورید.

ناتوانی ما در اندیشیدن به آینده منجر به تصمیم‌گیری‌های بد می‌شود

مواقعی که غرق در بدهی هستیم، می‌تواند یکی از بدترین شرایطی باشد که تجربه می‌کنیم. در این مواقع یکی از ساده‌ترین و نخستین گزینه‌ها قرض کردن پول و یا درخواست وام است. این کار یکی از تصمیماتی است که بیشتر افراد در چنین لحظاتی اتخاذ می‌کنند اما نسبت به عواقب آن بی توجه هستند.

وقتی میز غذای رنگینی در مقابلمان است و حساب بانکی قابل توجهی داریم، به ندرت اتفاق می‌افتد که تصمیمات آینده‌نگرانه بگیریم. متأسفانه اگر در این روزهای خوش و بی درد غفلت کنیم، در مواقع بی پولی قدرت تحلیل درست وقایع و تصمیم‌گیری منطقی را از دست خواهیم داد. وقتی درگیر کارهای زیادی هستیم، ممکن است به غذاهای آماده و حتی میان وعده‌های ناسالم اغذیه‌فروشی‌های کنار خیابان روی آوریم؛ در چنین لحظاتی هیچ اهمیتی به سلامتی خودمان ن داده و آگاه نیستیم که چنین تصمیماتی تاثیرات مخربی را به دنبال دارد؛ پیامدهایی که در درازمدت متوجه آن خواهیم شد.

در مواقعی که با کمبود منابع مالی مواجه هستیم با قرض گرفتن و درخواست وام به دنبال رفع مشکلمان می‌گردیم و غافل از این هستیم که احتمالاً خیلی زود به دردسر بزرگتری خواهیم افتاد! بدهی‌هایی که روی هم انباشته می‌شود و موعد

بازپرداخت وامی که گرفته ایم ما را در یک چرخه کمیابی گرفتار می کند. در چنین مواقعی ما تنها بر روی زمان حال متمرکز شده و توجهی به آینده نداریم. این قرض گرفتن به ظاهر ساده و زیر بار فشار وام رفتن در آینده تبعاتی ناخوشایند به دنبال دارد که گاه به ورشکستگی مان می انجامد!

متاسفانه اغلب ما کمیابی را از روش های ناکارآمدی حل و فصل می کنیم که باعث وخیم تر شدن اوضاع می شود. تصمیماتی که بر پایه آینده نگری گرفته نشده باشد، یکی از تبعات کمیابی است که ما اغلب گرفتار آن شده ایم. کمیابی می تواند در هر چیزی نمود پیدا کند؛ از کمبود وقت گرفته تا کمبود منابع مالی و یا حتی کمبود روابط اجتماعی. متاسفانه کمیابی باعث می شود ما در شرایط بحرانی دست به انتخاب های اشتباه و عجولانه بزنیم. در این شرایط اغلب ما به جای آینده نگری تنها بر روی حل فوری مشکل متمرکز شده و نسبت به پیامدهای طولانی مدت انتخاب هایمان بی توجه هستیم.

پی نوشت: اطلاعات این گزارش برگرفته از کتاب «فقر احمق می کند» به نگارش الدار شفیق (انتشارات شنیدار) است.